

باز خوانی مصراع‌ی از شاهنامه «هم» یا «هَم»

دکتر مرتضی چرمگی عمرانی^۱

زمین آمد از سم اسبان به هم؟

بدرید کوه از دم گاو دُم

چکیده

در این مقاله سعی بر آن شده تا مصراع‌ی را دوباره بازخوانی کنیم و بر این اساس، ایرادی را که نسخه شناسان شاهنامه پژوه و قافیه سنجان بر آن گرفته اند و از حیث علم قافیه این بیت را دارای عیب اقوا دانسته اند، برطرف کنیم. در این مقاله ابتدا ضبط‌های مختلف این بیت در نسخ چاپی همچون مسکو، ژول مول و جلال خالقی مطلق آورده شده و سپس نظر شارحان مختلف در این باره آمده است و در قسمت دوم مقاله بر اساس شاهنامه خالقی مطلق ضبط، «هم» بر ضبط «خم» ترجیح داده شده است و در قسمت سوم مقاله، نگارنده قافیه مصرع دوم را نه آنگونه که شارحان تلفظ کرده اند و معنی نموده، خوانده ام، بلکه به نظر می‌رسد مصراع دوم را در محل قافیه باید به گونه‌ای دیگر خواند یعنی: «زمین آمد از سم اسبان به هَم» که در این صورت با گاو دُم می‌تواند قافیه باشد، البته دلایل برتری تلفظ «هَم» بر «هم» و معانی مختلف آن و اینکه این واژه در گناباد و بسا اطراف آن هنوز هم به کار می‌رود در متن با شواهد و امثال بیان شده است.

کلیدواژه‌ها: شاهنامه، فردوسی، گویش گنابادی، اختلاف نسخ، هَم یا «هَم».

بدرید کوه از دم گاو دم زمین آمد از سَمِ اسبان به [خم]؟

مقدمه

شاهنامه، اثر گران سنگ فردوسی، علاوه بر پیچش های معنایی، با رویکردهایی همچون باور شناسی، نماد شناسی و اسطوره شناسی از حیث واژه شناسی نیز قابل بررسی و درخور توجه است. این اثر به لحاظ در بر داشتن واژگان فارسی، گنجینه ای بسیار غنی است که علی رغم تلاش های شاهنامه پژوهان و فردوسی شناسان، بسیاری از واژه های به کار رفته در آن، از دیدگاه های مختلف شایسته بررسی است. بسا بسیاری از واژه های به کار رفته در شاهنامه با همان تلفظ روزگار فردوسی یا با اندک تغییری هنوز در روستاهای خراسان بزرگ تکلم می شود.

سعی نگارنده در این مقاله بر آن بوده تا مصراعی از شاهنامه را دوباره بازخوانی کند و بر این اساس، ایرادی که نسخه شناسان شاهنامه پژوه و قافیه سنجان نکته بین بر آن گرفته اند و از حیث علم قافیه آن بیت را دارای عیب اقوا دانسته اند، بر طرف کند. همچنین از قبل آن، واژه ای از واژه های اصیل فارسی احیا شود. بنابراین ابتدا ضبط های مختلف این بیت در نسخه های موجود و سپس نظر شارحان مختلف در این باره آمده است. در بخش دیگر مقاله، ضبط ارجح ذکر شده و در قسمت پایانی، بازخوانی واژه در محل قافیه مورد بررسی قرار گرفته است.

درآمد

بیت مورد نظر در داستان رزم کاووس با شاه هاماوران (داستان جنگ هاماوران) آمده است. پس از آنکه کاووس باخبر شد که پادشاه هاماوران علیه او شوریده است، سپاه خود را به آن سمت حرکت داد و از دریا عبور کرد و به مرز هاماوران رسید. فردوسی در ادامه به توصیف جنگ افزارها و حال و هوای میدان نبرد، توصیف آسمان و زمین بر اثر کثرت سپاهیان، و... می پردازد تا به بیت مورد بررسی می رسد که:

بدرید کوه از دم گاو دم زمین آمد از سَمِ اسبان به [خم]

ما در ادامه برآنیم تا این بیت را در نسخه ها و چاپ های مختلف شاهنامه بررسی و هریک از ضبط ها را مورد نقد و تحلیل قرار دهیم. بر اساس شاهنامه ژول مول این بیت به گونه زیر ضبط شده است:

بدرید کوه از دم گاو دم زمین آمد از سم اسبان به [خم]
(ژول مول، ۱۳۷۵: ۲۹۱)

استاد پرویز اتابکی که شاهنامه ژول مول به اهتمام ایشان ویرایش و بازخوانی شده است برخی از واژه های این بیت مثل « دم، گاو دم و خم » را بدین ترتیب حرکت گذاری کرده است: (دم، گاو دم و خم) بر اساس شاهنامه چاپ مسکو به کوشش سعید حمیدیان بیت مزبور این گونه ضبط شده است:

بدرید کوه از دم گاو دم زمین آمد از سم اسبان به [خم]
(شاهنامه مسکو، ۱۳۸۷: ۱۳۰/۲)

در شاهنامه فردوسی به تصحیح محمد رضانی ب ۷۴۷۰ این بیت به گونه زیر آمده است:

بدرید کوه از دم گاو دم زمین آمد از سم اسبان به [خم]
(رضانی، ۱۳۶۹: ۳۰۴/۱)

در شاهنامه فردوسی (نسخه موزه بریتانیا) به سعی و کوشش محمد روشن و مهدی قریب، بیت مورد نظر به گونه زیر ضبط شده است.

بدرید کوه از دم گاو دم زمین آمد از سم اسبان به خم
(روشن و قریب، ۱۳۷۴: ۱۱۱)

بر اساس تصحیح انتقادی مصطفی جیحونی این بیت به گونه ای دیگر ضبط شده است:

بدرید کوه از دم گاو دم زمین آمد از سم اسبان به جم
(جیحونی، ۱۳۷۹: ۲۹۱/۱)

و در شاهنامه به تصحیح استاد جلال خالقی مطلق به گونه زیر ضبط شده است:

بدرید کوه از دم گاو دم زمین آمد از سم اسبان به خم
(خالقی مطلق، ۱۳۸۶: ۷۱/۲)

با توجه به نسخه بدل هایی که استاد خالقی مطلق در پاورقی آورده است، معلوم می شود که این بیت در ۸ نسخه نیامده است و متن مصحح ایشان بر اساس نسخه موزه بریتانیا (۶۷۵ هـ ق) تصحیح شده است. نسخه متعلق به کتابخانه طوپقاپوسرای در استانبول مورخ (۷۳۱ هـ ق) به گونه زیر آمده است (بحم) یک نقطه در زیر دارد و نسخه کتابخانه پاپ در واتیکان مورخ (۸۴۸ هـ ق) به نشانه [و] و نسخه ی کتابخانه دانشگاه آکسفورد مورخ ۸۵۲ به نشانه [آ] (به جُم) نسخه ی کتابخانه بریتانیا در لندن مورخ (۸۴۱ هـ ق) به نشانه [ل^۲] (بحم) بدون نقطه آمده است.

نسخه کتابخانه ملی فلورانس مورخ (۶۱۴ هـ ق) با نشانه [ف] که اقدام نسخ شاهنامه فردوسی است (به هم) آورده است که استاد جلال خالقی مطلق، متن مصحح خود را مطابق این نسخه تصحیح نکرده است. همان گونه که پیشتر بیان شد، متن مصحح ایشان مطابق نسخه موزه بریتانیا تصحیح شده است. با توجه به ضبط های مختلف این بیت می بینیم اغلب مصححان ضبط (به خم) را بر ضبط (به هم) ترجیح داده اند. در این میان استاد مصطفی جیحونی در تصحیح انتقادی اش از شاهنامه ضبط نسخه کتابخانه پاپ در واتیکان به نشانه (و) و نسخه کتابخانه دانشگاه آکسفورد به نشانه (آ) ضبط (به جُم) را بر دیگر ضبط ها برگزیده است. دکتر کزازی در نامه باستان ضبط نسخه موزه فلورانس را بر می گزیند و آن را در محل قافیه (به هم) بازخوانی می کند و در توضیح این بیت این گونه بیان می کند که در این بیت (گاو دُم) با (هم) قافیه شده است و حرکت توجیه در دو واژه قافیه نایکسان است. حرکت دال پیش (ـُ) و حرکت ها زبر است (ـِ) این ناسازی در توجیه را سخندانان عیب شمرده اند و اقوا نامیده اند. کاربرد قافیه هایی از این گونه هنجاری است که گاه در شاهنامه و دیگر سروده های کهن خراسان دیده می آید. به هم برآمدن در معنی فرو فشردن و بر خود فرو شکستن به کار رفته است. در دیگر بر نوشته ها به جای « به هم » به «خم» آمده است که درست و به هنجار نمی آید (کزازی، ۱۳۸۱: ۴/۴۹۴) نیز استاد عزیز الله جوینی در شرح ابیات شاهنامه (ج سوم ص ۱۹۹ بیت ۵۲) ضبط نسخه موزه فلورانس را برگزیده است و نوع بازخوانی آن هم مانند بازخوانی نگارنده سطور می باشد:

بدرید کوه از دم گاو دم زمین آمد از سم اسبان به هم
(عزیزالله جوینی، ۱۳۸۰: ۱۹۹/۳)

و در پاورقی یاد آور شده اند که بنا بر دستنویس فلورانس ((هم)) یا ((حم)) را باید از اصوات دانست. ((آمد به هم)) یعنی زمین از سم اسب به ناله در آمد. البته استاد جوینی هیچ منبع و مأخذی برای این واژه که به معنی ((ناله)) است، ذکر نکرده اند و به اینکه این واژه با این تلفظ و معنی در کدام منطقه ایران رایج است، اشاره ای نشده است.

نقدضبط ها و بازخوانی های این بیت

همان گونه که بیان شد شاهنامه ژول مول و مسکو ضبط (به خم) را بر دیگر ضبط ها ترجیح داده است. به نظر نگارنده این ضبط درست به نظر نمی رسد، زیرا واژه ((گاو دم)) حدود ۱۸ بار در شاهنامه به کار رفته است و در اغلب موارد با ((روینه خم)) قافیه شده است. در بیت مورد نظر هم به هیچ وجه نمی توان گاو دم را با (به خم) قافیه کرد، زیرا اگرچه نویسنده این سطور می پذیرد که در شاهنامه یکی از هنجارهای قافیه، ناهمسانی حرکت توجیه در محل قافیه است و در شاهنامه نمونه هایی دارد، اما در بیت مورد نظر با توجه به نسخه بدل های اقدام واضح درست به نظر نمی رسد نمونه را:

برآمد خروشیدن گاو دم دم نای سرغین و روینه خم
(خالقی مطلق، ۱۳۸۶: ۴۴/۶)

یا:

زمیدان خروشیدن گاو دم شنیدند و آوای روینه خم
(همان: ۳۷/۷)

از دیگر سوی با توجه به ضبط (به خم) مصراع دوم معنای کنایی درستی نخواهد داشت مگر با تکلف. [زمین آمد از سم اسبان به خم] زمین به خم آمدن؟ یعنی از سم اسبان زمین به

خم آمد یعنی در هم فرو فشرده شد؟! دو دیگر این که تلفظ درست واژه گاو دم به ضم دال است نه به فتح دال و سه دیگر این که قافیه کردن واژه گاو دم با (به خم) طبق نظر قافیه سنجان دارای عیب اقوا، یعنی ناهمسانی در حرکت توجیه است.

دکتر کزازی در *نامه باستان* و استاد عزیز الله جوینی در شرح *ابیات شاهنامه* همان گونه که پیشتر بیان شد ضبط نسخه موزه فلورانس یعنی (به هم) را ترجیح داده و توضیحی که آورده شد بر آن افزوده اند. به نظر نگارنده این سطور از تمام نسخه بدل هایی که درباره این بیت ذکر شده است، ضبط نسخه موزه فلورانس، که اقدم و اصح نسخ موجود شاهنامه تا کنون می باشد بر دیگر ضبط نسخه ها ترجیح دارد. اما شیوه بازخوانی آن نه به گونه ایست که برخی شاهنامه پژوهان آن را بازخوانی کرده اند، بلکه به نظر نگارنده، این بیت را باید این گونه بازخوانی کرد (همانگونه که استاد جوینی بازخوانی کرده اند):

بدرید کوه از دم گاو دم زمین آمد از سم اسبان به هم

اما دلایل برتری این بازخوانی به قرار زیر است:

۱- در ارتباط با واژه ((هم)) بیان این نکته درخور توجه است که در گویش گنابادی، که یکی از لهجه های اصیل فارسی دری در خراسان بزرگ است، این واژه و مترادفات آن مانند (هم هم، گم، گم، همب، گم و هوس) که هنوز هم در آن سامان به کار می رود برای صداهای مهیب، گوشخراش و در عین حال یک لرزش ناگهانی به کار می رود یا برای شیء بسیار سنگینی که از هوا بر زمین می افتد و زمین را به لرزه می اندازد یا برای کسی یا چیزی که محکم پا بر زمین می کوبد می گویند: ((زمی هم کی)) [zemi home kī] یعنی زمین به شدت به لرزه درآمد. یا هنگامی که درروزی بارانی صدای مهیب رعد و برق به گوش میرسد می گویند: «طو پیه د هم هم اومده» [tow paya de hom hom ūmede] یعنی «چطور پایه (رعد و برق) به لرزش و هم هم و صدای مهیب آمده است». این اسم صوت و مترادفات آن به گونه های مختلف در برخی از گویش ها به کاررفته است؛ نمونه را درفارسی هروری:

- هاووست höwwast: صدایی مهیب چون صدای افتادن سقف و فرو ریختن دیوار.

(آصف فکرت، ۱۳۷۶: ۵۷).

- هَوَوَس howvas: اسم صوت برای صدای مهیب آوار یا نظیر آن در گویش

(مودودی، ۱۳۸۴: ۳۷۱).

در گویش روستای اردکول [Ardakool] از روستاهای بخش زیر کوه قاین این واژه نیز کاربرد دارد؛ نمونه را:

- هُمَس (هُمَسْت) hommas (t) به صدای مهیب و ترسناکی گفته می شود که از فرو ریختن سقف منازل قدیمی، پیچیدن باد در کوه و امثال آن به گوش می رسد:

((تا زلزله شُ یگ هُمَسْت به گوش مَ واش و سَفْتِ خونا همه وَرَهَم تُمبِ.))

ta zelzela šo yag hommaste be guš ma va šo o safte xunā hama var ham tombī.

((تا زلزله شد، صدای مهیب و ترسناکی (هُمَسْت) به گوشم رسید و سقف خانه ها به طور

کامل فرو ریخت.))

این واژه در افسانه ای که از روستای اردکول گردآوری شده، به صورت ((هُم هُم)) نیز

آمده است:

((... شو شُدْ دَس دِ گردن هَم کِرْدَم^۱ و خُدای هَم مِگِرِستَم، یگ بار دیدَم کوهِگه دِ هُم هُم

اومه. با رزنگی اومَ اینا رخُ.))

((... sow so das de garden ham kerdam o xodei ham megerestam, yag bār

didam ku (h) ga de hom hom uma. Bārzangi uma inār xo ...))

((... شب شد. دست در گردن هم کردند و با هم می گریستند، به یکباره از کوه بزرگ

صدای مهیبی (هُم هُم) شنیدند، بارزنگی آمد، هر دو نفرشان را خورد...))

(صادقی، ۱۳۸۸)

سوگمندان این اسم صوت و مترادفات آن مانند بسیاری از واژه های فارسی دری، رو به

فراموشی سپرده شده و در فرهنگ های فارسی موجود مانند لغت نامه دهخدا، غیاث اللغات،

فرهنگ آنندراج، برهان قاطع، فرهنگ نفیسی، فرهنگ فارسی دکتر محمد معین، فرهنگ بزرگ

سخن و فرهنگ مجمع الفرس نیامده است. در فرهنگ نام آوایی فارسی نوشته دکتر وحیدیان

کامیار نام آوای ((هم هم)) یا ((هم)) ذکر نشده است، اما اسم صوت های همچون: گرمب

۱- در گویش روستای اردکول م am، شناسه سوم شخص جمع است.

goromb، گرمباست، gorombast، گرنب goronb، که باز گونه ای دیگر از نام آوای ((گم گم)) می باشد، آورده شده است (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۵: ۲۱۱) بنابراین واژه ((هُم)) و مترادفات آن یک اسم صوت با بار معنایی خاص است و نمی توان آن را به گونه ای دیگر بازخوانی کرد؛ آن گونه که برخی (... زمین آمد از سم اسبان به هم) بازخوانی کرده اند.

۲- به نظر نگارنده این گونه بازخوانی بیت، تناسب بیشتری با موسیقی لفظی و معنوی بیت و فضای معنایی حاکم بر ابیات پیشین و پسین آن دارد. برای این که این فضای معنایی در ذهن خوانندگان تداعی شود ابیات قبل و بعد از بیت مورد نظر را می آوریم:

| | |
|-------------------------------|--------------------------------|
| چوکاووس لشکر به خشکی کشید | کس اندر جهان کوه و صحرا ندید |
| جهان گفتی از تیغ واز جوشن است | ستاره ز نوک سنان روشن است |
| زیس خود زرین و زرین سپر | به گردن برآورده رخشان تبر |
| تو گفتی زمین گشت زر روان | همی بارد از تیغ هندی روان |
| زمغفر هوا گشت چون سندروس | زمین سر به سرتیره چون آبنوس |
| بدریید کوه از دم گاو دُم | زمین آمد از سُم اسبان [به هُم] |
| زبانگ تیره به بربرستان | تو گفتی زمین گشت لشکرستان |
| برآمد از ایران سپه بوق و کوس | برون رفت گرگین و فرهاد و طوس |

(خالقی مطلق، ۱۳۸۶: ۷۰/۲-۷۱)

این ابیات گویای آن است که وقتی کاووس شاه از دریا لشکرش را به سمت خشکی حرکت داد از بسیاری سپاهیان و جنگ افزارهای آنان کوه و صحرا پیدا نبود. زمین از کثرت جنگ افزارهای زرین و درخشانده آنها که در جنبش و حرکت بودند به دریایی از زر مانند شده است، که روان است و موج می زند. هوا از حیث گرد و غبار برخاسته سپاهیان به سندروس و زمین از تیرگی به آبنوس مانند شده است. خروش اسبان و سواران و آوازی که از تبرهای در هم کوفته بر می خیزد آن چنان بلند است که گویی سراسر جهان لشکر گاه شده است و از همه آنها خروش تیره بر می آید. صدای گاو دُم به قدری سهمگین و هراسناک است که گویی

کوه از صدای مهیب آن از هم گسیخته است و اسبان به قدری محکم بر زمین سم می کوبند گویی زمین از صدای مهیب سم اسبان به هَم هَم و لرزه در آمده است که این ازجمله کاربرد تکراری و تأکیدی نام آواهاست.

۳- سومین دلیل برتری این واژه یعنی ضبط [به هَم] این است که در اقدم واضح نسخ شاهنامه یعنی نسخه موزه فلورانس این ضبط آمده است و دلیلی برای غلط بودن آن وجود ندارد. دیگر این که برخی از شاهنامه پژوهان مانند دکتر کزازی اگر چه به درستی ضبط موزه فلورانس را بر گزیده اند، اما به نظر می رسد با توجه به حرکت گذاری و معنایی که در نامه باستان به دست داده اند، این واژه به درستی بازخوانی نشده است، زیرا اگر به جای [به هَم] به هَم بخوانیم (همان گونه که دکتر کزازی بازخوانی کرده اند) هم قافیه بیت دچار یکی از عیوب قافیه یعنی اقوا می شود و هم عبارت کنایی (زمین به هَم آمدن) معنایی به هنجار نخواهد داشت و همان گونه که پیشتر گفتیم در هیچ جای شاهنامه گاو دُم به فتح دال با واژه دیگری قافیه نشده است، بلکه همه جا به ضم دال است.

برتری دیگر این قرائت آن است که اگر مصرع دوم را با ضبط (به هَم) بخوانیم خواهیم دید که مصوت کوتاه [ُ] در واژه های گاو دُم، سُم و هَم و نیز مصوت بلند [او] در واژه کوه، صدای هَم هَم و لرزش زمین را به دلیل کوبیدن سم اسبان بر زمین به خواننده القا می کند. دوباره این بیت را بخوانیم:

بدرید کوه از دم گاو دُم زمین آمد از سُم اسبان به هَم

آیا از این بیت لرزش و هَم هَم زمین بر اثر کوبیدن سم اسبان به گوش نمی رسد که این خود بیانگر نوعی صدا معنایی و هم حرفی نیز می باشد و در عین حال قدرت فردوسی در گزینش واژگان، به نوعی که معنایی مهیب و پر طنطنه و هَم هَم را در ذهن خواننده تداعی کنند، بسیار مشهود است که اگر به جای واژه (هَم) (خَم) را در بیت بگذاریم چندان گیرایی نخواهد داشت و زیبایی های لفظی و معنوی ذکر شده در آن مشهود نخواهد بود. از دیگر سوی، استاد خالقی مطلق در پاورقی نسخه بدلها آورده اند که این بیت در هشت دست نویس که اساس تصحیح این دفتر بوده نیامده است و ضبط دست نویس موزه فلورانس [به هم]،

دست نویس کتابخانه طوبقاپوسرای در استانبول: (بحم) یک نقطه در زیر دارد، دست نویس و، آ: [به جُم] دست نویس ل^۲ بحم (نقطه ندارد) و متن مطابق دست نویس ل (یعنی کتابخانه بریتانیا در لندن) تصحیح شده است. همان گونه که پیداست ضبط (به هم) تنها در یک نسخه و آن در هم نسخه اصح و اقدم نسخ شاهنامه آمده است و ما می دانیم که ((مصحح ممکن است حین مقابله نسخه های بدل با نسخه اساس، در پاره ای از موارد، ضبط نسخه های بدل را دلشین تر و جذاب تر [از حیث معنی] بیابد و یا ضبط این دسته از نسخ را مطابق عرف و معلوم و مشهور و یا مضبوط در دیگر متون و مآخذ تشخیص دهد و ضبط نسخه اساس را نامشهور بداند و منحصر به همان نسخه بینگارد و یا در مواردی از ضبط ها، نسخه اساس را به قیاس با نسخه های بدل، سست و ضعیف برگیرد، در این موارد و هر مورد دیگر از این باب، اگر نادرست بودن آن محرز نباشد و دلیلی برای غلط بودن آن وجود نداشته باشد، نباید به صرف این که ضبط اساس ضعیف است و یا نامشهور، از نسخه اساس عدول کند) مایل هروی، ۱۳۶۹: ۲۷۸).

از دیگر سوی، طبق یک اصطلاح نسخه شناسی ضبط نامشهور تر به نسخه اساس و اصل، نزدیک تر است.

نتیجه

با توجه نکات گفته شده به نظر می رسد ضبط نسخه موزه فلورانس که اقدم و اصح نسخ موجود شاهنامه می باشد، درست ترین ضبط در بین نسخه هاست؛ بنابراین نگارنده این سطور پیشنهاد می کند بیت را باید این گونه بازخوانی کرد:

بدرید کوه از دم گاو دُم زمین آمد از سُم اسبان به هُم

تا هم واژه ای از واژه های اصیل فارسی دری یعنی (هُم) و مشتقات آن احیا شود و هم معنای کنایی (زمین به هُم آمدن) به معنای زمین به لرزه در آمدن و لرزیدن معنایی درست و به هنجار داشته است و از طرف دیگر، قافیه بیت دارای عیب اقوا نباشد و نهایت اینکه بیت از حیث موسیقی لفظی، آرایه صدا معنایی خود را حفظ کند.

کتابنامه

- انوری، حسن. (۱۳۸۲). *فرهنگ بزرگ سخن*. چ اول. تهران: انتشارات سخن.
- آصف فکرت، محمد. (۱۳۷۶). *فارسی هروی*. چاپ اول. مشهد: انشگاه فردوسی.
- پاشا، محمد متخلص به شاد. (۱۳۶۳). *فرهنگ جامع فارسی* (آندراج). زیر نظر دکتر محمد دبیر سیاقی. چ دوم. تهران: کتابفروشی خیام.
- خلف تبریزی، محمد حسین. (۱۳۶۱). *برهان قاطع*. به اهتمام دکتر محمد معین. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- دهخدا - علی اکبر. (۱۳۷۷). *لغت نامه*. چ دوم. تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- رامپوری، غیاث الدین محمد بن جلال الدین. (۱۳۷۵). *غیاث اللغات*. به کوشش منصور ثروت. چ دوم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۷۵). *شاهنامه*. به تصحیح ژول مول. به کوشش پرویز اتابکی. چ اول دفتر دوم. چ اول. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- _____ . (۱۳۷۳). *شاهنامه*. به تصحیح مهدی قریب و محمد علی بهبودی. چ اول. تهران: انتشارات توس.
- _____ . (۱۳۸۰). *شاهنامه*. به کوشش عزیز الله جوینی. چ سوم. چ اول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- _____ . (۱۳۸۶). *شاهنامه*. به کوشش جلال خالقی مطلق. دفتر دوم. چ اول. تهران: دایرة المعارف بزرگ اسلامی.
- _____ . (۱۳۷۹). *شاهنامه*. به تصحیح مصطفی جیحونی. چ اول. جلد اول. اصفهان: انتشارات شاهنامه پژوهشی.
- _____ . (۱۳۸۷). *شاهنامه*. براساس چاپ مسکو، تحت نظری. ۱ برتلس. به کوشش سعید حمیدیان. چ نهم. تهران: نشر قطره.
- _____ . (۱۳۷۴). *شاهنامه*. به سعی محمد روشن و مهدی قریب. تهران: نشر فاخته.
- _____ . (۱۳۶۹). *شاهنامه*. به تصحیح محمد رضانی ج اول. چ دوم. تهران: انتشارات پدیده (کلاله خاور).

- صادقی محسن آباد، محسن. *فرهنگ تطبیقی گویش اردکولی با متون کهن فارسی*. پایان نامه دکتری زبان و ادبیات فارسی به راهنمایی دکتر محمد تقی راشد محصل. دانشگاه پیام نور تهران. (درحال انجام).
- کاشانی، محمد قاسم بن حاجی محمد متخلص به سروری. (۱۳۶۱). *فرهنگ مجمع الفرس*. به کوشش محمد دبیر سیاقی. تهران: کتابفروشی علی اکبر علمی.
- کزازی، میر جلال الدین. (۱۳۸۵). *نامه باستان*. ویرایش و گزارش شاهنامه فردوسی. چ سوم. جلد دوم. تهران: انتشارات سمت.
- مایل هروی، نجیب. (۱۳۶۹). *نقد و تصحیح متون*. چ اول. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- معین، محمد. (۱۳۷۱). *فرهنگ فارسی*. چ هشتم. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- مودودی، محمدناصر و زهرا تیموری. (۱۳۸۴). *گزیده ای از ادبیات شفاهی تایباد*. چاپ اول. مشهد: نشرماه جان.
- نفیسی، علی اکبر. (۲۵۳۵). *فرهنگ نفیسی (ناظم الاطباء)*. تهران: کتابفروشی خیام.
- وحیدیان کامیار، تقی. (۱۳۷۵). *فرهنگ نام آوایی فارسی*. چ اول. انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.